

حرف ما

حرف اول ما

از قدیم گفته اند آرزو بر جوانان عیب نیست. شاید انسان در نگاه اول به این جمله خیلی بی توجه از کنار آن عبور کند اما با کمی تأمل می توان دریافت که انسان ها با آرزوهایشان زنده اند. و جوانان که تجلی حرکت و نشاط زندگی جوامع بشری اند بیشترین انگیزه را برای پروراندن آرزوهای خویش دارند و برای رسیدن به آن تلاش می کنند.

آرزو یک مفهوم دینی است اگر به تفکرات سطحی و دنیایی دچار نشود. در متون روایات، احادیث و حتی قرآن کریم همواره از آرزوها و آمال انسان بزرگ سخن به میان آمده است. گاهی این آرزوها از زبان یک پیامبر بیان می شود و گاهی هم از زبان یک فرد عادی تمام این فراز و فرودها در بیان آرزوهای متفاوت حکایت از آن دارد که یکی از دلایل بقاء بشر در روی کره خالی آرزوهایی است که با آن زندگی می کند. آرزوهایی که بعضی مواقع حتی هنرمندترین نگاه ها حتی نمی توانند آن را تصور کنند چه برسد به این که آن آرزوهای زیبا را به تصویر بکشند.

و ما چقدر خوب می شود اگر آرزوهای قشنگ داشته باشیم تا این آرزوها معنای تحرک و پویایی ما باشد، ما که جوانیم و سرشار از انرژی. نکنند در پس کوچه های ناامیدی از تفکر به آرزوهایمان بپرهیزیم.

به خال هاشمی
آرزو به خال هاشمی

حرف دوم ما

این آرزویی که برایتان گفتیم به شکل های زیبایی در منابع دینی ما آمده است. شاید بتوان گفت تمام دعاهایی که روزانه ما از آن ها استفاده می کنیم نوعی آرزوست. مثلاً در نمازهای روزانه معمولاً قنوت هایمان را به دعایی مزین می کنیم خداوند! در دنیا و آخرت به ما حسنه عنایت کن و ما را از عذاب جهنم محفوظ بدار. یا این که در شبانه روز بارها آرزو می کنیم خداوند به محمد و آل محمد درود بفرست. این ها همه آرزوهای قشنگی است که ما هر روز با آن صفا می کنیم. همه این ها را گفتیم تا به اینجا برسیم که ما شیعیان در کنار تمام آرزوهایمان یک آرزوی برجسته زیبا و دوست داشتنی داریم و آن رسیدن به روزی است که بتوانیم نگاه آسمانی آخرین ودیعه الهی را در قالب چشمهایمان به نظاره بنشینیم.

راستی اگر در تمام جهان بگردیم و تمام آرزوها را جمع کنیم آیا آرزویی قشنگ تر، زیباتر و جهانی تر از این آرزو پیدا می کنیم؟

حرف سوم ما

و این آرزو بر جوانان عیب نیست که:

خدایا می شود روزی را ببینم که مردی سبزپوش از انتهای افق می آید و ما در رکاب او با تمام انرژی جوانی مان همراه باشیم

خدایا می شود آنقدر به خال هاشمی اش چشم بدوزیم تا شهید شویم...

عیب نیست که:

الیس الصبح بقرب
سر دبیر

خدایا می شود روزی را ببینم که مردی سبزپوش از انتهای افق می آید و ما در رکاب او با تمام انرژی جوانی مان همراه باشیم
خدایا می شود آنقدر به خال هاشمی اش چشم بدوزیم تا شهید شویم...

